

تاریخ



نگاهی تاریخی به قیام گوهرشاد

سد خونین مردم مقابل کشف حجاب

صادق رخ فرد

دبیر گروه تاریخ

سنجش افکار عمومی مردم بخصوص طیف مذهبی جامعه، قبل از کشف حجاب دست به اقداماتی زد. ابتدا ممنوعیت پوشیدن لباس روحانیت و بساط لباس متحدالشکل و کلاه پهلوی مطرح شد چنانچه تنها عده معدودی از علما جواز پوشیدن لباس را داشتند. پس از مدتی کلاه یک لبه یا همان کلاه پهلوی که استفاده از آن در سطح جامعه متداول بود، منسوخ و طی دستوری اعلام شد که مردان بایست از کلاه شاپو که تمام لبه بود، استفاده کنند. البته رضاشاه جهت اطمینان دست به اقدام زیرکانه‌ای زد چنانچه تبدیل کلاه پهلوی به کلاه شاپورا جهت حفظ کارگران از گرمای آفتاب اعلام کرد و طی نامه‌ای به وزارت داخله دستور اجرای آن را صادر کرد. این جایگزینی کلاه هم از سوغاتی‌های ترکیه بود چرا که ترک‌ها پس از تغییر رژیم، کلاه فینه را تبدیل به شاپو کرده بودند.

دلایل رضاشاه در انجام کلیه این اقدامات، این بود که نیاپست بین ایرانی‌ها با اروپائیان هیچگونه اختلافی باشد و آنها بدانند که تفاوت بین ایرانیان و اروپائیان جز همین کلاه و لباس چیزی نیست. حاج مهدی قلی هدایت بیان می‌کند که «در ملاقات روزی شاه کلاه مرا برداشت و گفت حالا این‌طور است؟ گفتم فی‌الجملة از آفتاب و باران حفظ می‌کند اما آن کلاه که داشتیم اسمش بهتر بود. آشفته چند قدمی حرکت فرمودند گفتند آخر من می‌خواهم همرنگ شویم تا ما را مسخره نکنند»

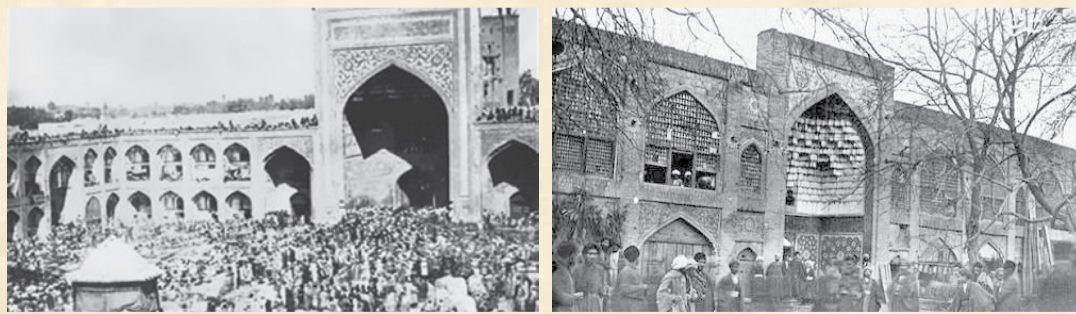
اولین اعتراضات به کشف حجاب در کشور
برگزاری جشن شیراز با حضور علی اصغر حکمت در ۱۳ فروردین ۱۳۱۴ ه.ش و پایکوبی تعدادی از دختران بی‌حجاب در این جشن نگرانی علمای و طیف مذهبی را به دنبال داشت. در اولین اقدام حسام‌الدین فال اسیری از علمای شیراز به برگزاری چنین مراسمی اعتراض کرده و آن را از مظاهر بی‌دینی در جامعه دانست. اعتراض او باعث شد تا بلافاصله زندانی گردد. بی‌حرمتی به یک عالم دینی و حبس وی، موجی از اعتراضات را در کشور بویژه در حوزه‌های علمیه قم، مشهد و تبریز در پی داشت. در تبریز دو مرجع عالیقدر، سید ابوالحسن انگلی میرزا صادق آقا به تغییر لباس و کلاه شاپو اعتراض و به سمتان تبعید گردیدند. اما از جمله مکان‌هایی که کشف حجاب باعث اعتراضات شدید شد، شهر مقدس مشهد بود که منجر به قیام مسجد گوهرشاد شد. «در مشهد هم که دستور تغییر لباس رسیده بود و خبر جشن شیراز تبریز منعکس گردیده بود، غوغایی برپا کرده و مراجع روحانی را سخت ناراحت نمود. جلساتی برای بحث و گفت‌وگو درباره تغییر لباس و سختگیری‌هایی که درباره معممین بموقع اجرا گذارده بودند تشکیل می‌گردد. در این جلسات که آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و آیت‌الله سید یونس اردبیلی و آقازاده فرزند آخوند ملا محمد

هستند. زن‌ها تماماً رو باز هستند. در تمام میهمانی‌ها ملکه را همراه خودش برده است، شاه و ملکه تماماً لباس اروپایی و کلاه‌های اروپایی داشتند» در نقلی این هیأت توسط رضاشاه به ایران دعوت شده بود تا پس از گردش آنها در ایران بازتاب بی‌حجابی آنها را در سطح کشور بسنجند و در صورت عدم اعتراض جامعه ایران به این مسأله، آن را بزودی در ایران پیاده سازد و در غیر این صورت، بی‌حجابی پادشاه افغانستان و هیأت همراه او را امری شخصی قلمداد کرده، خود را بی‌گناه جلوه دهد.

سوغات آنکارا
از سویی دیگر رضاخان پس از سفری که به ترکیه داشت، ظواهر غربی را که آتاتورک در کشور پیاده کرده بود، از نزدیک مشاهده کرد و بسیار تحت تأثیر قرار گرفت به طوری که طی نطقی در ترکیه، اظهار امیدواری کرد با رفع خرافات مذهبی در کشور، ایران هم بتواند چون ترکیه مراحل ترقی را بپیماید. «به واسطه برداشتن خرافات مذهبی در مدت سلطنت من امیدواریم که هر دو ملت بعد از این با هم با یک روح صمیمیت متقابل دست در دست داده، منازل سعادت و ترقی را طی خواهند کرد.» پس از این مسافرت بود که رضاخان در مسیر تأسی صرف و تشبیه به اروپایی شدن بیش از پیش مصمم‌تر شد، چنانچه طی نطقی دیگر در موقع شرفیابی وکلای مجلس شورای ملی، در جواب یکی از وکلا که ایران را متمدن‌تر از ترکیه دانست، این چنین بیان کرد: «من ترکیه را دیدم در چهار دیوار زینت و صفای طبیعی بساط خودنمایی شما می‌خواهید به این اظهار نگذارید ایران جلو برود، کوشش من این است که ایران را در طریق ترقی و قبول تمدن جدید وارد کنم...» پس از این قضایا بود که رضاخان متحول شد چنانچه پس از مشاهده دستجات منظم دختر و پسری که در ترکیه از مقابل او رژه رفتند، چون به ایران بازگشت دستور داد که دختران و پسران در مراسم رژه‌ها شرکت کنند و جهت تشویق محصلان در امور پیشانگی، ریاست آن را برعهده ولیعهد گذارد. در اغلب اوقات او از کشف حجاب و آزادی زنان سخن رانده چنانچه روزی هیأت دولت را احضار و بیان کرد: «ما باید صورتاً و سنتاً غربی بشویم و باید در قدم اول کلاه‌ها تبدیل به شاپو بشود و پس فردا که افتتاح مجلس شورا است همه باید با شاپو حاضر شوند و در مجالس کلاه را به عادت غربی‌ها باید بردارند و نیز باید شروع به رفع حجاب زن‌ها نمود و چون برای عامه مردم دفعتاً مشکل است اقدام نمایند شما وزرا و معاونین باید پیش قدم بشوید...» در همین راستا طی دستوری به علی اصغر حکمت، وزیر فرهنگ دستور داد تا در مدارس دخترانه، معلمان و دختران بدون حجاب ظاهر گردند و در صورت امتناع از ورود آنها به مدارس جلوگیری کنند. بر همین اساس است که مهدی قلی هدایت کشف حجاب را سوغات آنکارا می‌داند.

رضاخان در تصمیم خود قاطع بود، اما جهت

اسلام مطرح می‌شود، کوتاه نمی‌آیند. از زاویه دیگر واقعه گوهرشاد نشان می‌دهد مردم تا چه حد گوش به فرمان فقها و علمای اصیل هستند و هراسی برای مقاومت و حمایت از آنها ندارند. در متن پیش رو سعی شده تا با ریشه‌یابی زمینه‌های قیام، روند حوادث اتفاق افتاده در مسجد گوهرشاد مورد بازخوانی قرار گیرد.



افغانستان اولین کشور اسلامی بود که اقدام به کشف حجاب از بانوان کرد. پادشاه افغانستان پس از مسافرتی به اروپا، در ۱۳۰۶ ه.ش در بازگشت به کشورش، به ایران آمد و با خانواده خود که لباس‌ها و کلاه‌های اروپایی پوشیده بودند در محافل رسمی ظاهر گشت. «امیر افغانستان که برای گردش اروپا رفته است و خیلی پذیرایی شایان در همه جا از ایشان نمودند به ایران هم خواهند آمد...» به قدر سی نفر مرد و زن افغانستانی همراه ایشان

و تلاش خود را در این راه به کار برد. اما وی یک مسأله را در ایران فراموش کرده بود و آن هویت دینی و مذهبی مردم ایران و عدم سنخیت پیاده شدن افکار مغشوش وی در بین مردم جامعه ایران بود. پیش از این دو همسایه ایران یعنی افغانستان و ترکیه در این راه گام برداشته بودند و تا اندازه‌ای هم موفق شده بودند. امان‌الله‌خان پادشاه افغانستان و مصطفی کمال آتاتورک سعی کردند با برداشتن حجاب از زنان در اروپایی مآب کردن مملکت خود گام بردارند و کشور

مقدمات کشف حجاب در ایران
جهت بررسی قیام گوهرشاد بایست ابتدا نگاهی اجمالی به زمینه‌های پیدایش کشف حجاب در زمان پهلوی اول داشته و آن گاه مراحل وقوع این جریان را که منجر به قیام مسجد گوهرشاد شد، مورد بررسی قرار دهیم. با استقرار پایه‌های سلطنت پهلوی، رضاخان مدرنیته‌گردن و پیشرفت کشور را سرلوحه کارش قرار داده و پیشرفت غرب را به اشتباه در ورود زنان به جامعه و هرزگی آنان جست و لذا تمام سعی



واقعه گوهرشاد نشان می‌دهد مردم تا چه حد گوش به فرمان فقها و علمای اصیل هستند و هراسی برای مقاومت و حمایت از آنها ندارند. در متن پیش رو سعی شده تا با ریشه‌یابی روند حوادث اتفاق افتاده در مسجد گوهرشاد مورد بازخوانی قرار گیرد